

مهم ترین عامل تولید در اقتصاد یک کشور کدام است؟

مقدمه

نیروی انسانی یکی از عوامل سه گانه‌ی تولید است که در کنار دو عامل دیگر - یعنی منابع طبیعی و سرمایه - نقش ویژه‌ای در تولید ایفا می‌کند. اگرچه هر یک از عوامل سه گانه‌ی تولید در جای خود دارای اهمیت‌اند و نقش و تأثیر هیچ کدام را نمی‌توان انکار کرد اما نیروی انسانی یا منابع انسانی نسبت به سایر عوامل تولید از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا وظیفه‌ی ترکیب سایر عوامل تولید را نیز برعهده دارد.

بدون شک، مهم ترین سرمایه‌ی یک ملت نیروی انسانی و به ویژه نیروی انسانی دانش آموخته، با مهارت و صاحب فکر آن است. آنچه یک ملت را به سمت پیشرفت هدایت می‌کند، نیروی انسانی توانمند آن است که با جدیت و تلاش خود جامعه را در مسیر رشد و شکوفایی قرار می‌دهد. اکثر متفکران در این امر توافق دارند که عامل تعیین کننده‌ی روند توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی یک کشور، «منابع انسانی» آن است. نیروی کار یک جامعه شامل نیروی کاریدی (دستی) و فکری آن است. هر قدر این نیروی کار دارای تحصیلات بیشتر و وجدان کاری و مسئولیت پذیری بیشتر باشد، در تولید جامعه تأثیر چشم گیرتری خواهد داشت.

با بررسی اقتصاد کشورهای پیشرفته، درمی‌یابیم که بخش مهمی از تولید این جوامع مدیون دانش و فناوری متبلور در نیروی کار آنهاست. درعین حال، یکی از دلایل

عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته‌ی امروزی، بالا بودن درجه‌ی بی‌سوادی و کم‌دانشی نیروی کار آنان است. به منظور تربیت نیروی انسانی کارآمد و با دانش لازم، جامعه باید با برنامه‌ریزی‌های آموزشی ریشه‌ی بی‌سوادی را قطع کند و از طریق آموزش ضمن کار، سطح دانش نیروی کار را ارتقا دهد.

اشتغال و بی‌کاری

از مجموعه‌ی افراد یک ملت پیوسته گروهی در شرایطی قرار دارند که قادر و مایل‌اند شغلی داشته باشند. این عده، عرضه‌کننده‌ی نیروی کارند و یکی از عوامل تولید محسوب می‌شوند. در هر جامعه، میزان عرضه‌ی نیروی کار به عوامل مختلفی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) جمعیت کل کشور: هر چه جمعیت کل یک کشور بیش‌تر باشد، نیروی انسانی بیش‌تری برای شرکت در فعالیت‌های تولیدی وجود خواهد داشت. اگر جامعه امکانات لازم برای تعلیم و پرورش نیروی انسانی و نیز ابزار و لوازم موردنیاز برای اشتغال آن‌ها را داشته باشد، می‌تواند با استفاده از جمعیت بزرگ‌تری در جهت تولید بیش‌تر کالاها و خدمات موردنیاز جامعه گام بردارد. در غیر این صورت، جمعیت بزرگ‌تر تنها موجب افزایش مصرف و عقب‌ماندگی جامعه می‌شود.

ب) جمعیت فعال: دومین عامل مؤثر در عرضه‌ی نیروی کار، بزرگی مقدار «جمعیت فعال» یک کشور است؛ به‌طور کلی، جمعیت یک کشور را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- گروه اول: افراد زیر ۱۵ سال که در واقع گروه «خردسالان» را تشکیل می‌دهد.
- گروه دوم: افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال که گروه «بزرگسالان» را تشکیل می‌دهد.
- گروه سوم: افراد بالای ۶۵ سال که گروه «سال‌خوردگان» را تشکیل می‌دهد.

در بین این سه گروه، تنها گروه دوم است که جمعیت فعال یک کشور را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، به تمامی افراد یک جامعه - اعم از زن و مرد - که در سن فعالیت اقتصادی قرار دارند (بین ۱۵ تا ۶۵ سال)، جمعیت «فعال» گفته می‌شود.

از کل جمعیت فعال، معمولاً درصد بزرگی به کار و فعالیت اقتصادی مشغول‌اند و درصد کوچکی نیز به دلایلی به‌طور موقت یا دائم بی‌کارند. به آن بخش از نیروی کار فعال که دارای شغلی هستند، «نیروی کار شاغل» و به بخشی از نیروی کار فعال که در فعالیت

اقتصادی شرکت ندارند، «نیروی کار بی کار» یا «غیرشاغل» گفته می‌شود. گروه اخیر افرادی را که برای تغییر شغل از فعالیت قبلی خود دست کشیده ولی هنوز به کار جدید نپرداخته‌اند، نیز شامل می‌شود. البته، ممکن است تعدادی از کسانی که جزء جمعیت گروه دوم قرار دارند (یعنی گروه بزرگ سالان)، به دلایلی در فعالیت‌های اقتصادی شرکت نکنند؛ مثلاً دانش‌آموزان، دانشجویان و خانم‌های خانه‌داری که در گروه دوم قرار دارند، معمولاً جزء جمعیت فعال محسوب نمی‌شوند.

فعالیت ۲-۵

ویژگی‌های اعضای فامیل خود را در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

فعال بی‌کار	فعال شاغل	بالای ۶۵ سال	۱۵ تا ۶۵ سال	زیر ۱۵ سال	جمعیت فامیل

نرخ‌های اشتغال و بی‌کاری

نسبت جمعیت «شاغل» به کل جمعیت «فعال»

یک کشور، نرخ اشتغال نامیده می‌شود. برای مثال، اگر جمعیت فعال یک کشور ۲۰ میلیون نفر باشد و ۱۸ میلیون نفر از این جمعیت شاغل باشند، نرخ اشتغال در این جامعه ۹۰ درصد خواهد بود.^۱

نرخ اشتغال شاخص بسیار مهمی است؛ زیرا وضعیت استفاده‌ی جامعه از نیروی فعال خود را که مهم‌ترین سرمایه‌ی آن جامعه است نشان می‌دهد. البته در بحث اشتغال نه تنها درصد جمعیت شاغل بلکه چگونگی به کارگیری شاغلان نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا برخی از مشاغل - که به آن‌ها مشاغل کاذب گفته می‌شود - وجود دارند که به دلیل غیر مولد بودن نه تنها بر رشد واقعی اقتصادی تأثیری ندارند، بلکه در بسیاری موارد مُخل آن نیز هستند. بدین ترتیب، در بررسی مسئله‌ی اشتغال تنها آرائه‌ی آمار مربوط به کل

۱- با یک تناسب ساده می‌توان عدد ۹۰ درصد را محاسبه کرد:

$$\frac{20}{100} \times x = \frac{18}{100} \times 100 = 90$$

یا درصد شاغلین تعیین کننده نیست بلکه برای بررسی همه جانبه‌ی این مسئله باید شاغلین هر بخش اقتصاد (مثلاً کشاورزی، صنعت و خدمات) نیز به تفکیک مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، بخشی از جمعیت فعال که قادر و مایل به کار هستند اما موفق به یافتن شغل نمی‌شوند، بی‌کار محسوب می‌گردند. نسبت جمعیت بی‌کار به کل جمعیت فعال، نرخ بی‌کاری نامیده می‌شود. برای مثال، اگر جمعیت فعال یک کشور ۲۰ میلیون نفر باشد و ۲ میلیون نفر از این جمعیت فعال شاغل نباشند، نرخ بی‌کاری ۱۰ درصد خواهد بود.^۱

نرخ بی‌کاری شاخص اقتصادی - اجتماعی بسیار مهمی است. اگر در جامعه‌ای نرخ بی‌کاری بالا باشد، آن جامعه در معرض بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد. فقر و بزهکاری افزایش می‌یابد و زندگی جاری اعضای جامعه مختل می‌شود. به همین جهت، معمولاً دولت‌ها به مسئله‌ی بی‌کاری و حل این مشکل مهم اقتصادی - اجتماعی توجه ویژه‌ای دارند. آن‌ها برای مقابله با این پدیده روش‌های متفاوتی را به کار می‌گیرند و سعی می‌کنند زمینه را برای ایجاد فرصت‌های شغلی فراهم آورند تا افراد جویای کار بتوانند شغل مناسبی بیابند و به جمع شاغلین کشور پیوندند. علاوه بر «بی‌کاری آشکار» که در مورد آن توضیح دادیم، بی‌کاری - با توجه به علل به وجود آورنده یا شرایط حاکم بر آن - انواع دیگری نیز دارد که در این جا فقط به معرفی دو نوع از آن می‌پردازیم.

۱- بی‌کاری پنهان: به‌طور کلی حالتی را که در آن نیروی کار به فعالیت اقتصادی فاقد کارایی لازم اشتغال یابد، بی‌کاری پنهان گویند؛ مثلاً اگر یک کشاورز روی زمین کوچکی کار کند و محصول کمی به دست آورد، در حالی که می‌توانست روی زمین بزرگ‌تری کار کند، این نوع بی‌کاری «بی‌کاری پنهان» نامیده می‌شود. کار کارمندی هم که به جای ۸ ساعت کار مفید در روز فقط ۲ ساعت کار مفید انجام می‌دهد، بی‌کاری پنهان محسوب می‌شود.

۱- با یک تناسب ساده می‌توان عدد ۱۰ درصد را محاسبه کرد:

$$\frac{20}{100} = \frac{2}{x}$$

$$x = \frac{200}{2} = 100$$

۲- بی‌کاری فصلی یا موسمی: نوع دیگری از بی‌کاری که ناشی از تغییر فصل است، «بی‌کاری فصلی» نامیده می‌شود؛ مثلاً به دلیل کاهش فعالیت‌های ساختمانی در زمستان، تعدادی از نیروی کار شاغل در این بخش به نوع بی‌کاری فصلی دچار می‌شوند. هم‌چنین عده‌ای از کشاورزان در زمستان به دلیل رکود فعالیت‌های کشاورزی با نوعی بی‌کاری فصلی مواجه می‌گردند.

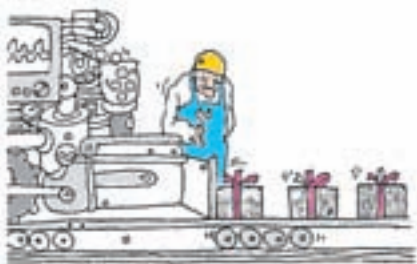
فعالیت ۶-۲

- ۱- با توجه به جدول فعالیت ۵-۲ نرخ اشتغال و بی‌کاری را در بین فامیل خود محاسبه کنید.
- ۲- نمونه‌هایی از بی‌کاری پنهان و فصلی را در منطقه‌ی خود نام ببرید.

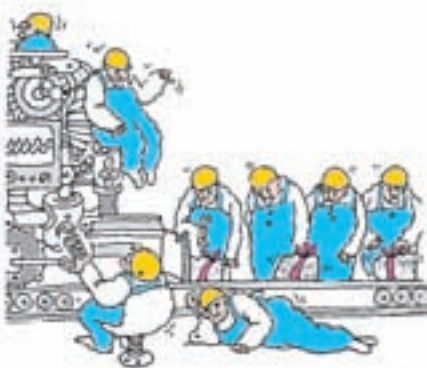
بهره‌وری

بهره‌وری به معنای استفاده‌ی مفید و مؤثر از عوامل تولید از جمله «نیروی کار» است. البته در نگاهی گسترده‌تر، بهره‌وری نه تنها به مفهوم استفاده‌ی بهینه از

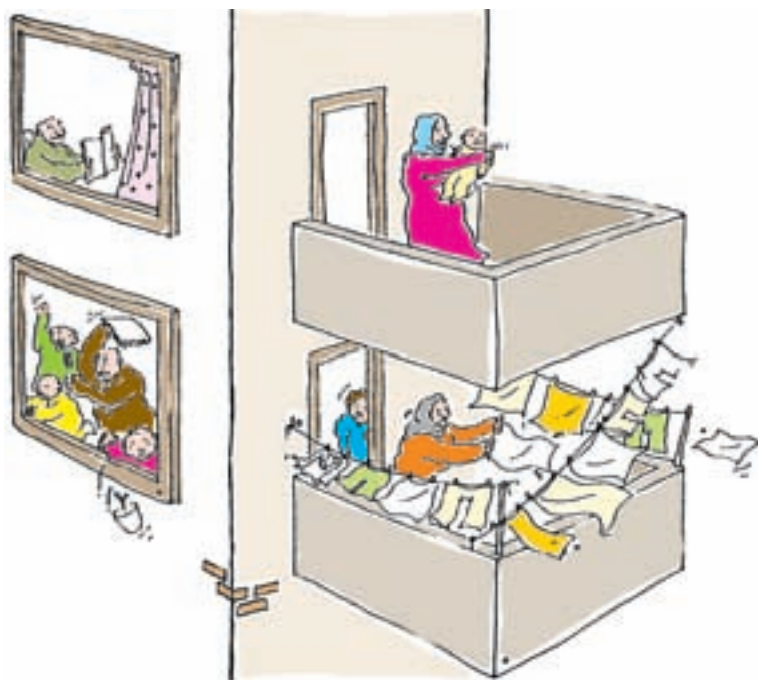
عوامل تولید است بلکه استفاده‌ی صحیح از تولیدات و تمامی نعمت‌های الهی از جمله «وقت» را شامل می‌شود. در خلقت و اداره‌ی جهان نیز خداوند همه چیز را آن‌گونه که باید و آن‌جا که شاید، قرار داده است.



در این‌جا نگاه ما محدود به مفهوم بهره‌وری عوامل تولید و به‌طور خاص یکی از آن‌ها - یعنی نیروی کار - است. به‌منظور ارتقای سطح بهره‌وری باید به عوامل مؤثر در بهره‌وری توجه کرد. به‌طور کلی عوامل مؤثر در بهره‌وری یا «فردی» هستند یا «سازمانی». به عبارت دیگر، افزایش سطح سواد و دانش و نیز میزان سلامت و مهارت‌های فرد در میزان بهره‌وری مؤثرند.



از سوی دیگر، «نظام سازمانی» بر کارایی و در نتیجه بهره‌وری فرد اثر می‌گذارد. منظور از نظام سازمانی، اصول و قوانین، ساختار تشکیلاتی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، روش‌های انجام کار و دستورالعمل‌های خاص حاکم بر یک سازمان است. با اصلاح و ارتقای نظام سازمانی، بهره‌وری عوامل درون آن سازمان افزایش می‌یابد. توجه داشته باشید که یک سازمان می‌تواند یک واحد کوچک صنعتی، یک کارخانه‌ی بزرگ صنعتی، یک واحد کوچک خدماتی یا یک واحد بزرگ خدماتی - مثلاً در حد یک وزارت‌خانه - باشد. یک سازمان هم‌چنین می‌تواند دولتی یا متعلق به بخش خصوصی باشد.



در یک «سازمان پویا» به منظور افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، آموزش شغلی مستمر مدیران و کارکنان، افزایش انگیزش و ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور بروز ابتکار و خلاقیت مدیران و کارکنان، برقراری نظام مناسب پرداخت مبتنی بر عملکرد و برقراری نظام تشویق و تنبیه در دستور کار قرار می‌گیرد.

به این ترتیب، با ارتقای بهره‌وری در یک مؤسسه‌ی کوچک یا کل جامعه می‌توان با همان مقدار عوامل تولید قبلی به تولید بیش‌تر رسید. هم‌چنین با همان مقدار کالای تولید شده‌ی قبلی با مصرف بهینه و بهتر می‌توان به نیازهای بیش‌تری پاسخ داد.

فعالیت ۷-۲

بارعایت چه نکاتی می‌توان بهره‌وری را در مدرسه‌ی شما افزایش داد؟ در این باره تحقیق کنید.

تأثیر کردار افراد بر متغیرهای کلان

افراد، تشکیل دهنده‌ی جامعه هستند

و رفتارهای اقتصادی هر یک از آن‌ها - چه مثبت و چه منفی - بر متغیرهای کلان تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب کردار آن‌ها - خواه تولیدکننده باشند، خواه مصرف‌کننده - بر توسعه‌ی اقتصادی جامعه مؤثر است.

توجه به این نکته ضروری است که توسعه‌ی یک کشور هدیه‌ای نیست که از خارج به آن داده شود بلکه نتیجه‌ی اتفاقاتی است که در داخل کشور می‌افتد. برای رسیدن به توسعه، توسل جستن به عوامل داخلی جامعه را سریع‌تر به نتیجه می‌رساند.

اگر جامعه‌ای به توسعه‌ی اقتصادی دست یابد، این توفیق به دلیل تشریک مساعی افراد آن جامعه برای دستیابی به اهداف اقتصادی است. به بیان دیگر، جامعه در نتیجه‌ی تلاش گسترده‌ی اعضای خویش به توسعه می‌رسد و توسعه یافتگی از خارج بدان اهدا نمی‌گردد. پس رفتارهای مردم، به‌ویژه رفتارهای اقتصادی آن‌ها، باید به گونه‌ای باشد که بتواند جامعه را در مسیر دستیابی به توسعه یاری دهد.

از سوی دیگر، اگر بپذیریم که دستیابی به فناوری و دانش فنی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌ی اقتصادی است، ناگزیر باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی کشور، گسترش علوم و فنون را در اولویت قرار دهیم. پیش شرط توسعه‌ی علوم و فنون در یک جامعه، احترام گذاشتن به دانش‌پژوهان و تأمین نیازهای مادی و معنوی آن‌ها در حد متعارف است و در این راه باید زمینه را بیش از پیش مهیا کرد. عامل اصلی توسعه‌ی علوم و فنون، نیروهای متخصص و مجرب کشور است. متأسفانه برخی از این نیروها به علت تأمین نشدن نیازهایشان، جذب فعالیت‌های غیرمفید می‌شوند یا کشور را ترک می‌گویند. برای جذب هر چه بیش‌تر نیروهای کارآمد به بخش‌های تولیدی و اقتصادی جامعه، باید از تشویق مادی و معنوی بهره جست و ارزش واقعی فعالیت‌های مختلف را در اجتماع مشخص کرد.

شرکت دادن اقشار وسیع مردم در تصمیم‌گیری‌های مهم، خود ضامن اجرای صحیح

سیاست‌های تحقق توسعه در کشور است. زمانی که افراد در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، به عملکرد دستگاه‌های اجرایی بی‌اعتنا نخواهند بود. این مشارکت انگیزه‌ی حرکت را در گروه‌های وسیعی از اعضای جامعه تقویت می‌کند و دستیابی به اهداف مشترک را سرعت می‌بخشد.

اگر جامعه هدف توسعه را ارج می‌نهد و اگر قرار است تمام امکانات در راه دستیابی به این هدف بسیج شوند، باید در درجه‌ی اول با ایجاد شرایط اقتصادی - اجتماعی مناسب، افراد را به پیروی از الگوی رفتاری مناسب تشویق کنیم.

به این ترتیب، رفتار افراد جامعه می‌تواند حرکت به سمت توسعه را سرعت ببخشد یا برعکس، در این راه مانع ایجاد کند. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فرهنگ مصرفی بخش قابل توجهی از درآمد ارزی را می‌بلعد. در واقع، قسمت مهمی از نیازهای روبه‌گسترش جمعیت این کشورها نه از طریق ظرفیت‌های تولید داخلی بلکه از خارج تهیه می‌شود و این امر فشار فزاینده‌ای برای صدور هر چه بیش‌تر منابع اولیه ایجاد می‌کند. با تغییر الگوی مصرف و کند ساختن آهنگ رشد مصرف کالاها و نیز حذف واردات کالاهای غیرضروری، می‌توان انباشت سرمایه را در کشور تسریع کرد و از این طریق، امکان افزایش ظرفیت‌های تولیدی را فراهم آورد.

فعالیت ۸-۲

توجه: ظرفیت تولید برق نیروگاه شهید رجایی (بزرگ‌ترین نیروگاه حرارتی برق ایران) در حال حاضر ۱۵۰۰ مگاوات (= یک میلیون وات) است.

۱- با فرض این که جمعیت ایران ۶۰ میلیون نفر و هر خانوار شامل ۴ نفر باشد، در صورتی که هر خانوار یک لامپ ۱۰۰ اضافی را خاموش کند:

الف) چند مگاوات برق صرفه‌جویی می‌شود؟

ب) میزان صرفه‌جویی را با میزان تولید نیروگاه شهید رجایی مقایسه کنید.

۲- به نظر شما، اعضای هر خانواده با رعایت چه مواردی می‌توانند در کاهش هزینه‌های کشور مؤثر باشند.

پرسش

- ۱- دلیل برتری نقش نیروی انسانی نسبت به سایر عوامل تولید چیست؟
- ۲- نیروی کار در چه شرایطی تأثیر بیش‌تری در تولید جامعه خواهد داشت؟
- ۳- در چه شرایطی افزایش جمعیت جامعه می‌تواند عاملی مثبت در جهت افزایش تولید تلقی شود؟
- ۴- نرخ اشتغال چیست و چگونه محاسبه می‌شود؟
- ۵- چرا حل مشکل بی‌کاری برای دولت‌ها مهم است؟
- ۶- آیا اشتغال کاذب نوعی بی‌کاری محسوب می‌شود؟ چرا؟
- ۷- بهره‌وری چیست؟
- ۸- شما به عنوان یک دانش‌آموز، برای افزایش بهره‌وری چه کارهایی می‌توانید انجام دهید؟